

تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و هند در چارچوب وابستگی‌های متقابل

سیدهادی زرقانی^۱

ابراهیم احمدی^۲

چکیده

به گواه اسناد تاریخی روابط دو کشور ایران و هند دارای پیشینه‌ای به درازای پنج هزار سال است. ولی به شکل دولت‌های مدرن امروزی، روابط دو کشور بلافاصله پس از استقلال هند از پاکستان در ۱۹۴۷ برقرار شد و علی‌رغم نقش متغیرهای مداخله‌ای، در قبل و پس از انقلاب، دو کشور هیچ‌گاه وارد تنش جدی نشدند و همواره در پی تنش‌زدایی و رفع ابهام در روابط مابین بودند. هم‌اکنون نیز ایران و هند به تبعیت از وابستگی‌های متقابل و نگرانی‌های مشترک، مناسبات قابل قبول و روبه‌جلویی دارند. بر این اساس سؤال اصلی این پژوهش این‌گونه است که زمینه‌های تنش‌زدایی و میل به همکاری‌های مشترک ژئوپلیتیکی ایران و هند متأثر از چه عواملی هستند؟ در پاسخ به سؤال پژوهش، این فرضیه مطرح است که طیفی از وابستگی‌های متقابل، مانع هرگونه تنش بین دو کشور شده است؛ لذا در بسیاری از زمینه‌ها دو کشور، میل به تعامل و همکاری دارند. عواملی نظیر: ملاحظات و نگرانی‌های مشترک امنیتی، منافع مشترک در حوزه انرژی، موقعیت مناسب ایران در دسترسی هند به افغانستان و آسیای مرکزی، نقش بندر دریایی چابهار در کریدور شمال-جنوب، منافع و مشارکت (استراتژیکی، اقتصادی و عمرانی) در افغانستان از جمله مواردی‌اند که باعث وابستگی متقابل منافع ایران و هند هستند و به خودی خود زمینه‌های همکاری و تعامل دوسویه دو کشور را فراهم آوردند. غیر از این، پیش‌بینی می‌شود با حصول توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی، روابط هند و ایران گسترش چشم‌گیری داشته باشد. به‌ویژه اینکه بر خورداری هند از رشد بالای اقتصادی، بهره‌مندی از مؤلفه‌های قدرت (نرم و سخت) و توان بالای تکنولوژیک؛ فرصت‌های مناسبی را نیز فراروی ایران قرار می‌دهد. این پژوهش براساس ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات موردنیاز به شیوه کتابخانه‌ای و براساس مراجعه به منابع معتبر کتب، مقالات و گزارشات مستند گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: ایران، هند، ژئوپلیتیک، وابستگی‌های متقابل.

^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول: h-zarghani@um.ac.ir

^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۹

A Geopolitical Analysis of Iran-India Relations in the Framework of Interdependencies

Seyyed Hadi Zarghani¹

Associate Professor in Political Geography & Geopolitics, Ferdowsi University of Mashhad

Ebrahim Ahmadi

MSc in Political Geography, University of Shahid Beheshti

Abstract

According to historical documents, mutual relations between Iran and India have a long historical background. However, in the modern era and in the form of modern governments, relations between these two countries started in 1947. Despite the existence of intervening variables before and after the Islamic Revolution in Iran, Iran and India have never undergone serious tensions and always tried to settle any tension or ambiguity in their relations. Nowadays, thanks to interdependencies and issues of common concern, Iran and India have acceptable and progressive relations with each other. Hence, the present research aims to find the main factors underlying geopolitical interdependencies between Iran and India. The present research was a descriptive-analytic study and the required information was collected through library studies and reviewing valid books, reports, and articles. The findings showed that variables such as common security concerns, common interests in the field of energy, Iran's good geographical position for India to get access to Afghanistan and Central Asia, the role of Chabahar port in the North-South corridor, and interests and participation (strategic, economic, and developmental) of these two countries in Afghanistan play an important and vital role in the type and level of relations between Iran and India.

Keywords: Iran, India, Relation, Geopolitical interdependencies

۱- مقدمه

در طول تاریخ، کمتر ملتی به اندازه ایرانیان و هندیان با هم ارتباط دیرینه و تنگاتنگ داشته‌اند، در این باره نهرو در کتاب «کشف هند» می‌نویسد: هیچ کشوری به اندازه ایران به هند نزدیک نیست. در میان مردمان و نژادهای بسیاری که با زندگی و فرهنگ هند تماس پیدا کرده‌اند و در آن نفوذ داشته‌اند، قدیمی‌ترین و بادوام‌ترین این روابط با ایرانی‌ها بوده است (Nehru, 1946, p.36). منتها به شکل دولت‌های مدرن

¹ Corresponding Author: h-zarghani@um.ac.ir

امروزی، هند پس از کسب استقلال از پاکستان در ۱۹۴۷ بلافاصله درصدد روابط با ایران برآمد. اولین نشانه‌های دوستی و آغاز این روابط به شرکت دو کشور در نخستین اجلاس مشترک کشورهای آسیایی در مارس ۱۹۴۷ برمی‌گردد. همچنین در اوایل سال ۱۹۵۱م. دولت‌های ایران و هند، معاهده‌ای به نام معاهده «دوستی و صلح دائمی» امضاء نمودند. لیکن پس از اندک زمانی، روابط ایران و هند تحت شعاع جنگ سرد قرار گرفت، به ویژه اینکه مشارکت ایران در پیمان بغداد (که بعدها سنتو نام گرفت) و حمایت ایران از دولت پاکستان طی جنگ‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ بین هند و پاکستان، باعث شده بود افکار عمومی هند در دهه ۱۹۷۰، ایران را نه تنها متحد پاکستان، بلکه کشوری با گرایش‌های ضد هندی قلمداد کند. هرچند که با سقوط دولت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) دگرگونی‌های ملموسی در روابط ایران و هند صورت گرفت، ولی پس از آن، موضوعاتی نظیر برخورد مبهم دهلی در تجاوز عراق به ایران و کویت، موضع‌گیری هند در قبال جنگ شوروی و افغانستان، کماکان بر سردی روابط دو کشور افزودند. منتها علی‌رغم برخورد مناسب هند با انقلاب ایران، در دهه ۱۹۸۰ روابط دو کشور در مجموع سیر نزولی داشت، زیرا دولت مردان ایران توجه چندانی به روابط با هند نشان ندادند. ایران در نگاه‌های ژئوپلیتیکی خود و البته بنابر گرایش‌های ایدئولوژیک اسلام‌گرایانه‌اش، بیشتر به روابط با کشورهای اسلامی می‌اندیشید و از این راه از توجه به حوزه تمدن ایرانی غافل مانده بود (Zarghar, 2007, p.146). البته به تدریج و پس از اندک زمانی دو کشور به این نتیجه رسیدند که باید تنش‌های مابین را رفع کنند. منتها اولین قدم رفع سوء تفاهم و تنش‌زدایی از سوی دولت وقت هند برداشته شد؛ تا اینکه بالاخره در پی مذاکرات شنکر دیا شرما، رئیس‌جمهور، و پی‌وی نارسیمارائو، نخست‌وزیر وقت هند، موجبات تماس‌های سیاسی و روابط اقتصادی بین ایران و هند فراهم شد (Farzinnia, 2006, p. 28). نارسیمارائو (۱۹۹۳) اولین نخست‌وزیری بود که پس از پیروزی انقلاب از ایران دیدن کرد. اهمیت سفر رائو به حدی بود که هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت ایران، این سفر را به عنوان نقطه آغازی در روابط دوجانبه تفسیر نمود (Swami, 2001, p. 35). پس از آن در سال ۱۹۹۵، هاشمی رفسنجانی نیز به هند سفر کرد و در این سفر خواستار همکاری استراتژیک بین دو کشور شد. (Gol Behroozan, 2003, p.194) ولی به‌طور اجمالی اوج این دیدارها در زمان ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی و با صدور اعلامیه تهران در سال ۲۰۰۱ اتفاق افتاد. این اعلامیه حاوی دیدگاه‌های مشترک امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست‌های دفاعی-امنیتی ایران و هند و موضوعات مرتبط با دستور کار خلع سلاح بین‌المللی بود. پس از این در پی سفر تاریخی خاتمی در ژانویه ۲۰۰۳ برای شرکت در جشن استقلال هند و استقبال کم‌نظیر از وی، بیانیه دهلی نو به تصویب دو کشور

رسید؛ در این بیانیه، درباره تروریسم بین‌المللی و اینکه مسئله عراق باید از طریق سازمان ملل حل و فصل شود، بحث گردید. موضوع افغانستان و همکاری برای بازسازی آن از دیگر بندهای این نشست بود (Sadoughi, 2006, pp.22-23). هم‌اکنون نیز روابط دو کشور بیش از هر زمانی رو به گسترش است و دو کشور خواهان روابط نزدیک‌تری هستند. دیدار حسن روحانی با مودی (۱۰ ژانویه ۲۰۱۵)، در حاشیه نشست اجلاس سران شانگهای در روسیه، و سفر محمد جواد ظریف به هند (اوت ۲۰۱۵) نشان از تمایل دو کشور به استمرار روابط پویاتر و بهتر است. مودی در دیدار با حسن روحانی از تصمیم هند برای سرمایه‌گذاری ۸ میلیارد دلاری در زیرساخت‌های استراتژیک ایران خبر داد. وی همچنین در دیدار با محمد جواد ظریف، از آزاد شدن ۶ میلیارد دلار پول بلوکه شده نفت ایران طی چند قسط خبر داد. ظریف نیز هند را شریک راهبردی ایران خواند و خواهان سرمایه‌گذاری و مشارکت گسترده هند در زمینه‌های متعدد حمل‌ونقل، توسعه بنادر، انرژی، مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و غیره شد (Singh Roy, 2015, p.7). در این راستا، این پژوهش قصد دارد زمینه‌های همکاری دو کشور را در سایه وابستگی‌های متقابل منافع مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۲- روش تحقیق

این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع معتبر چون کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر گردآوری شده است. بر این اساس سؤال اصلی این پژوهش این گونه است که زمینه‌های تنش‌زدایی و میل به همکاری‌های مشترک ژئوپلیتیکی ایران و هند متأثر از چه عواملی هستند؟ در پاسخ به سؤال پژوهش، این فرضیه مطرح است که طیفی از وابستگی‌های متقابل، مانع هرگونه تنش بین دو کشور شده است - لذا در بسیاری از زمینه‌ها دو کشور، میل به تعامل و همکاری دارند. عواملی نظیر: نگرانی‌های مشترک امنیتی، منافع مشترک در حوزه انرژی، موقعیت مناسب ایران در دسترسی هند به افغانستان و آسیای مرکزی، نقش بندر دریایی چابهار در کریدور شمال- جنوب، منافع و مشارکت (استراتژیکی، اقتصادی و عمرانی) دو کشور در افغانستان، مناسبات پساتحریمی از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که منجر به تقویت همکاری و روابط گسترده بین دو کشور شده‌اند.

۳- پیشینه تحقیق

هند هم‌اکنون دارای جایگاه ژئوپلیتیکی برجسته و ممتازی در جهان است- به گونه‌ای که اساساً هیچ کشوری نمی‌تواند قدرت (نرم و سخت) روبه‌جلو و تأثیرگذار این کشور را نادیده بگیرد. در خصوص اهمیت، جایگاه و نقش این کشور در مناسبات و روابط قدرت‌ها، آثار متعددی نگاشته شده است. از جمله نوشتارهایی که به نوعی بیانگر روابط هند با سایر کشورها، سیاست خارجی و توانمندی‌های این کشور است، می‌توان به آثاری نظیر نوشته‌های: اخوان کاظمی، امام‌زاده، ۲۰۱۳؛ ثقفی عامری، ۱۹۹۴؛ سینگ روی، ۲۰۰۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۵؛ شفیع، ۲۰۱۱؛ کولایی و پهلوانی، ۲۰۱۱، ملکی و نیاکوئی، ۲۰۱۴ اشاره کرد. همچنین در این زمینه آثاری وجود دارد که به روابط ایران و هند (مستقیم و غیرمستقیم) پرداخته‌اند؛ از جمله آنها می‌توان به احمدی فشارکی، ۲۰۱۱؛ زرگر، ۲۰۰۶؛ سجادی‌پور و کریمی قهرودی، ۲۰۱۱؛ صادقی، ۲۰۱۱؛ عزتی و کاویانی، ۲۰۰۸؛ فرزین‌نیا، ۲۰۰۶ اشاره کرد. اما بیشترین قرابت موضوعی با پژوهش حاضر، در منابعی وجود دارد که به نحوی به راه‌کارهای همگرایی ایران و هند اشاره دارند و دربرگیرنده روابط متقابل دو کشور است. در ذکر تفاوت پژوهش فعلی با آثار پیشین باید گفت، این نوشتار، ضمن داشتن رویکرد تبیینی، بر این عقیده است که ایران و هند به طور عملی دارای توانمندی‌های ژئوپلیتیکی بالا و هم‌راستایی می‌باشند. زمینه‌های همکاری و تعامل دو کشور در سایه وابستگی‌های متقابل از حیث تعدد و تنوع به گونه‌ای است که از جهات متفاوتی تأمین منافع و ضروریات هرکدام از دو کشور بدون مشارکت و همکاری آن یکی به سختی امکان‌پذیر است. لذا امید می‌رود در آینده (پس از اجرایی شدن کامل برجام) مناسبات دو کشور به طور محسوسی افزایش یابد.

۴- رهیافت نظری

۴-۱- ژئوپلیتیک و وابستگی‌های متقابل

جهان ژئوپلیتیک در سرآغاز قرن بیست‌ویکم بی‌تردید وارد دوران جدیدی با ویژگی‌های ژئوپلیتیک جدید می‌شود که شاید نویددهنده فراآمدن نظم جدیدی است که شماری از جهان‌اندیشان در فلسفه و سیاست آن را «دوران پست‌مدرن» می‌نامند. آغاز دگرگونی‌ها در نظام جدید قرن بیستم توأم با نشانه‌هایی از پایان گرفتن دوران مدرن است. برخلاف برخی از گمانه‌زنی‌ها، نقش آفرینی «حکومت ملتی»^۱ به‌عنوان سازمان گرداننده امور سیاسی پایان نگرفته و گمان پایان گرفتن آن هم نمی‌رود، ولی این

نقش آفرینی‌ها دچار دگرگونی‌های فراوانی شدند. در صحنه ژئوپلیتیک جهانی دسته‌بندی‌های جغرافیایی جهان آن گونه که مکیندر^۱ در سرآغاز قرن بیستم و کوهن^۲ در دهه‌های پایانی آن قرن پیشنهاد کردند، جای خود را به شکل تازه‌ای می‌دهد که از یک سو گویای مفهوم «یک‌پارچه‌بودن»^۳ جهان و از سوی دیگر نشان‌دهنده «ازهم‌گسیخته‌بودن محیط سیاسی»^۴ است. امروز به جای تقسیم جهان به هارتلند و ریملند یا مناطق ژئواستراتژیک و مناطق ژئوپلیتیک سوئل بی. کوهن، از گروه‌بندی‌ها و هم‌گرایی‌های منطقه‌ای سخن به میان می‌آید و «جزیره جهانی»^۵ مکیندر جای خود را به «بازار یک‌پارچه و آزاد جهانی»^۶ داده است (Mojtahed Zadeh, 2012, pp. 15-16).

امروزه کشورها رفتار خارجی خود را به تبع از سرشت واقع‌گرای نظام بین‌المللی و بر اساس کدهای ژئوپلیتیکی خاص خود تنظیم می‌کنند. آنها برای پیشبرد اهداف‌شان؛ منافع‌شان را تعریف و بازتعریف می‌کنند. آنها در تعریف کدهای ژئوپلیتیکی به این پنج اصل پایبندند که:

۱. چه کسانی هم‌پیمانان بالقوه و فعلی ما هستند؛

۲. چه کسانی دشمن بالقوه و فعلی ما هستند؛

۳. چگونه می‌توانیم متحدین خود را حفظ، و متحدین بالقوه‌ای را ایجاد کنیم؛

۴. چگونه می‌توانیم با دشمنان فعلی و تهدیدهای نوظهور مقابله کنیم؛

۵. چگونه چهار محاسبه بالا را به جامعه خود و جامعه جهانی توجیه کنیم (Taylor & Flint, pp.

2000: 62)؛

بنابراین در ساختار پیچیده ژئوپلیتیکی جهان قرن بیست و یکم، کشورها خود را جدای از سیستم نظم حاکم بر نظام بین‌الملل نمی‌دانند و منافع آنها همواره به هم وابسته است. لذا این وابستگی در نهایت منجر به نوعی همکاری و درک متقابلی از منافع مشترک می‌شود. از این رو آنها (دولت‌ها) سعی می‌کنند از مجاری قانونی در شکل همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی در قالب گروه‌بندی و بلوک‌بندی‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی دست به تعامل و همکاری بزنند. از نظر رابرت کوهن^۷، «وابستگی متقابل»^۸ در

2. Mackinder

3. Keohane

4. Integration

5. Disruption of the Political Environment

6. World Island

7. Integration and Global Free Market

1. Robert Keohane

2. Interdependence

سیاست جهانی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بین کشورها یا بازیگران داخلی کشورهای مختلف، تأثیرگذاری متقابل وجود دارد. این تأثیرگذاری‌ها اغلب از مبادلات بین‌المللی - نقل و انتقال پول، کالا، افراد و پیام در سطح بین‌المللی - ریشه می‌گیرد (Keohane, 1984, p. 366). این مبادلات پس از جنگ جهانی دوم افزایش شدیدی یافته و در دهه‌های اخیر شاهد گرایش کلی به سوی مضاعف شدن هر ده سال یک‌بار بسیاری از اشکال پیوند متقابل انسان‌ها در فراسوی مرزهای ملی بوده‌ایم (Salimi, 2005, pp.64-65). بنابراین، همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطقی که سطوح بالاتری از تأثیرگذاری حساسیت در آن وجود دارد، می‌تواند به شکل‌گیری روند سیاسی و نیز نهادهای مشترک سیاست‌گذاری منجر شود؛ همان‌گونه که در اروپا به تدریج و به‌رغم وجود منازعات مختلف، نهاد اتحادیه اروپا شکل گرفت. همچنین پیدایش و قدرت‌یابی تدریجی ناتو، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، نمونه‌های بارزی از شکل‌گیری هم‌گرایی در عرصه‌های نهادی و تصمیم‌گیری هستند (Keohane, 1984, p. 396).

رابرت کوهن و جوزف نای^۱ که مهم‌ترین و اصلی‌ترین پدیدآورندگان نظریه وابستگی متقابل‌اند، کوشیدند با طرح نگرش‌هایی نو نشان دهند که قالب فکری واقع‌گرایی تنها قالبی نیست که بتوان روابط بین‌الملل را براساس آن توضیح داد. آنان به چالش با رئالیسم و مفاهیم آن پرداختند و کوشیدند تا با طرح مفهوم و چارچوب نظری وابستگی متقابل، شیوه متفاوتی را برای فهم روابط بین‌الملل مطرح سازند (Salimi, Ibid, pp.62-63). از نظر کوهن و نای مدل وابستگی متقابل گامی به جلو برای شناخت پدیده‌های جهانی، فراتر از تعاملات دولت‌ها محسوب می‌شود. به‌طور کلی برخی از خصوصیات این مدل را در عناوین ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱. بازیگران روابط بین‌الملل تنها دولت‌ها نیستند؛ در دنیای جدید، دنیای وابستگی متقابل مجموعه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی است که در آن شبکه‌های پیچیده‌ای از همکاری و تعامل و تعارض وجود دارد که هیچ قدرت برتر و مسلطی در آن قابل تشخیص نیست (Keohane, 1984, p.365)؛
۲. مسائل اساسی جهان، دیگر مسائل نظامی، امنیتی و استراتژیک نیستند، بلکه مسائل اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری یافته‌اند. این دگرگونی، حرکت از سوی سیاست حاد^۲

به سوی سیاست ملایم^۱ خوانده می‌شود. در این شرایط منابع موجود در عرصه جهانی توزیع شده و همکاری داوطلبانه جایگزین تعارض و مخاصمه می‌شود (Keohane & Nye, 1977, pp.5-35)؛

۳. قاعده رفتار در عرصه جهانی از تعارض و مخاصمه به همکاری فراملی تغییر کرده است. در شرایط وابستگی متقابل قاعده بازی دیگر بازی حاصل جمع صفر نیست، بلکه برد و باخت می‌تواند به‌طور یکسان برای همه طرف‌های بازی باشد. در روابط بین‌الملل برد یک بازیگر لزوماً به معنی باخت دیگری نیست و بازی جدید می‌تواند دو یا چند برنده و بازنده داشته باشد؛

۴. سلسله مراتب قدرت که مبتنی بر قدرت نظامی بود- جای خود را به شبکه پیچیده‌ای از همکاری‌ها می‌دهد که دیگر سلسله مراتبی نیست؛

ذکر این نکته ضروری است که اگر مبادلات متضمن آثار پرهزینه متقابل و نه لزوماً متقارن باشند، وابستگی متقابل وجود دارد، ولی اگر تعاملات کشورها آثار پرهزینه چندانی در بر نداشته باشند صرفاً با پیوند متقابل مواجه هستیم. بنابراین روابط مبتنی بر وابستگی متقابل همواره متضمن هزینه‌اند، چراکه استقلال عمل را محدود می‌سازند. همچنین هیچ تضمینی وجود ندارد که روابط مبتنی بر وابستگی متقابل به نفع دوطرفه بیانجامد (Keohane & Nye, 2001, pp. 7-10).

نکته دیگر در این نظریه، عدم تقارن میان طرفین است که سبب نفوذ یکی بر دیگری می‌شود. بر همین اساس کشورهای وابسته، در صورتی که فاقد عوامل و مزیت‌های جغرافیایی تعادل‌بخش و متوازن‌کننده باشند در وضع ضعف قرار گرفته، سیاست خارجی آنها منفعل شده و منافع و اهداف ملی‌شان نیز با چالش و تهدید مواجه می‌شود (Hafeznia, 2006, p. 147)؛ ولی بازیگرانی که وابستگی کمتر دارند غالباً می‌توانند از این رابطه به عنوان یک عامل قدرت برای چانه‌زنی استفاده کنند (Keohane & Nye, 2001, p. 9).

۵- تبیین توانمندی‌های کشور هند

۵-۱- هند به عنوان یک قدرت اقتصادی

شاخص‌های گوناگونی چون درآمد ملی، تولید ناخالص داخلی، سهم کشور از تجارت جهانی، نسبت ذخایر بین‌المللی به کل بدهی خارجی، میزان سرمایه‌گذاری خارجی، صادرات و واردات انرژی

خالص به صورت درصدی از مصرف انرژی و... برای ارزیابی قدرت اقتصادی کشورها لحاظ شده است (Zarghani, 2009, p. 242). لیکن برخی از شاخص‌های قدرت اقتصادی عبارت‌اند از:

الف) GDP (تولید ناخالص داخلی)

هر سه مرجع معتبر «صندوق بین‌المللی پول»، «بانک جهانی» و «کتاب اطلاعات جهانی سازمان سیا»، شاخص تولید ناخالص در هند را با اندکی اختلاف؛ ارقام ۷/۳۷۵/۹، ۷/۳۹۳، ۷/۲۷۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴م. اعلام کردند، که از این لحاظ هند پس از آمریکا و چین در رده سوم قرار می‌گیرد (IMF & World Bank & CIA World Fact book, 2014). پیش‌بینی شده است، شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) هند در سال ۲۰۲۵، به میزان ۳/۱۹۰۴۳ تریلیون دلار برسد (World Data bank, 2014). براساس برآوردها تا سال ۲۰۵۰م. هند پس از چین بیشترین تولید ناخالص داخلی را خواهد داشت (Shafie & Pahlavani, 2011, P. 248). انتظار می‌رود این کشور با رشد ۷/۵٪، سریع‌ترین رشد جهانی تا ۲۰۵۰ را داشته باشد. (DNA, 2015).

ب) سهم تجارت جهانی

در سه ماهه آخر سال ۲۰۱۴م. اقتصاد هند سریع‌ترین رشد جهانی را داشته است. این کشور در حال حاضر با رشد ۷/۵٪ سومین اقتصاد بزرگ دنیا است (DNA, 2015). برآورد صندوق بین‌المللی پول در آوریل ۲۰۱۵م. برای اقتصاد هند، رقم ۲/۳۰۶ تریلیون دلار را نشان داده است (IMF, 2015). به‌طور کلی سهم هند از تجارت جهانی بر اساس آمارهای ۲۰۱۳م. میزان ۲/۰۷ درصد است (World Trade Organization, 2013).

پ) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

بر اساس آمارهای سال ۲۰۱۴م. بیشترین سهم سرمایه‌گذاری خارجی با ۷۷۸ میلیارد دلار (۵۴٪) متعلق به کشورهای در حال توسعه است. کشورهای توسعه‌یافته نیز با ۵۶۶ میلیارد دلار، ۳۹٪ سهم سرمایه‌گذاری خارجی را به خود اختصاص دادند. بیشترین سهم متعلق به آمریکا و چین به ترتیب ۱۸۸ و ۱۲۴ میلیارد دلار بوده است. از این لحاظ هند با سهم ۲۹ میلیارد دلاری در رتبه ۱۴ دهم قرار دارد (World Investment Report, 2014, p. 18).

ت) صادرات و واردات کالا

در سال ۲۰۱۴م. آمریکا با سهم ۱۲/۸٪، چین با سهم ۱۰/۴٪ در رده اول و دوم، و هند با سهم ۲/۴٪ در رده دوازدهم واردات کالا در دنیا قرار گرفت. بیشترین واردات هند انرژی، و به‌خصوص نفت خام است. به‌لحاظ صادرات نیز، هند، چین و ایالات متحده به ترتیب با ۱۶/۱٪، ۹/۲٪ و ۷/۲٪ نرخ رشد صادرات، در رتبه‌های برتر جهان قرار دارند. صادرات کل این کشور در سال ۲۰۱۳ به میزان ۳۰۵۴۱ میلیون

دلاری بوده است (World Bank, 2013 & 2011). اجمالاً پیش‌بینی شده است تا افق ۲۰۲۵، صادرات این کشور به ۰/۹۲۵۵۵۴ تریلیون دلار برسد (World Data bank, 2014).

ث) ذخایر بین‌المللی ارزی

سه کشور نروژ، امارات و عربستان سعودی با دارا بودن بالغ بر ۸۷۸، ۷۷۳ و ۷۳۷ میلیارد دلار در حساب ذخیره ارزی خود در رتبه‌های اول تا سوم قرار دارند. از این حیث هند با داشتن ۳۵۱/۹۲۰ میلیارد دلار در رتبه نهم قرار دارد (IMF & Reserve Bank, 2015). میزان طلای هند از ذخایر ارزی این کشور تنها ۹/۹٪ (۵۷۷/۷ تن) است. به لحاظ ذخایر طلا، هند در رده دهم جهان قرار دارد (World Gold Council, 2015). میزان ذخایر ارزی برای آمریکا تنها ۱۲۶/۶ میلیارد دلار است.

ج) دیون خارجی

میزان بدهی خارجی هند بر اساس گزارش‌ها در مارس ۲۰۱۵، ۴۷۵/۸ میلیارد دلار برآورد شده است. در پایان مارس ۲۰۱۵م. میزان بدهی خارجی نسبت به تولید ناخالص این کشور ۲۳/۸ درصد بوده است (The Economic Times, 2015). از این حیث هند در جایگاه ۲۷ قرار دارد و آمریکا با میزان بدهی ۱۵/۶۸ تریلیون دلار در جایگاه بدهکارترین کشور جهان قرار گرفته است.

۵-۲- قدرت سخت هند

برای سنجش قدرت نظامی کارشناسان بر شاخص‌هایی چون تعداد شناورهای رزمی (زیردریایی)، تعداد پرسنل نیروهای مسلح، کل هزینه‌های نظامی، هزینه‌های نظامی به صورت درصدی از GDP، صادرات سلاح به میلیون دلار، سرانه ذخایر سلاح، تعداد هواپیماهای جنگی، سرانه بودجه نظامی و تعداد کلاهک‌های هسته‌ای اشاره کرده‌اند (Zarghani, 2006, p. 262). در مجموع این موارد، عمدتاً سه شاخص زیر برای برآورد قدرت نظامی یک کشور لحاظ می‌شود:

الف) تعداد سلاح هسته‌ای

میزان کلاهک‌های هسته‌ای هند در سال ۱۹۷۴م. یک عدد بوده است. هم‌اکنون (۲۰۱۵) تعداد کلاهک‌های هسته‌ای هند ۱۱۰ تا ۱۲۰ عدد می‌باشد (FAS, 2015). از این حیث، هند پس از اسرائیل و پاکستان هشتم است. مقدار سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در ۱۹۸۹، ۲۲۴۵۸ عدد، و روسیه ۴۵۰۰۰ عدد بوده است. در آینده این اعداد برای آمریکا و روسیه با روندی کاهشی به اعداد ۷۶۶۷ و ۸۸۳۳ عدد خواهند رسید. اجمالاً هند دارای برنامه هسته‌ای نامشخصی است و معلوم نیست در حال حاضر از چه نوع و چه میزانی از سلاح‌های هسته‌ای برخوردار است (NRDC, 2014). هند همچنین بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۷م. بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات متعارف جهان بوده است. این کشور در سال ۲۰۱۲ با سهمی ۱۲٪ واردات

تسلیمات، رتبه اول واردکنندگان تسلیحات متعارف در جهان را حفظ کرده است (SIPRI Year book, 2013, p. 10).

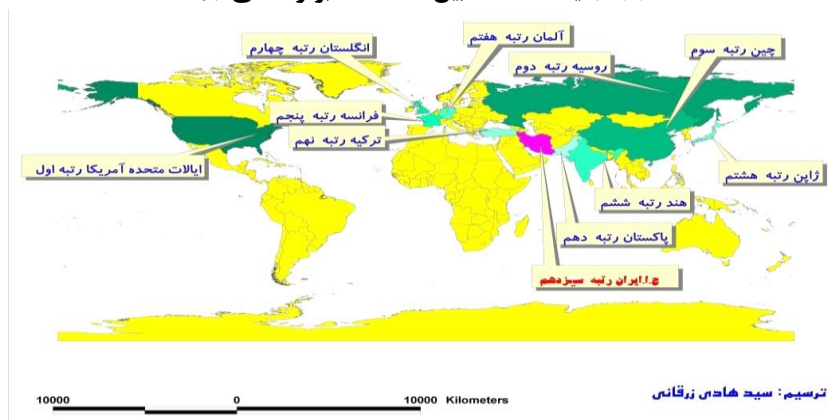
ب) میزان هزینه‌های نظامی

میزان هزینه‌های نظامی هند در ۱۹۹۸ به میزان ۱۷/۸۷۷ میلیارد دلار بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ م. به ۴۸/۸۳۰۳ میلیارد دلار برسد. با این اوصاف هند پس از آمریکا، روسیه و چین در رتبه چهارم به لحاظ هزینه‌های نظامی قرار دارد (SIPRI Military Expenditure Database, 2014).

پ) تعداد جمعیت نظامی یک کشور

تعداد کل نیروهای مسلح هند ۳/۷۷۳/۳۰۰ نفر (جایگاه اول جهانی)، نیروهای فعال ۱/۴۱۴/۰۰۰ نفر (جایگاه سوم جهانی) و شبه‌نظامیان آن ۱/۰۸۹/۷۰۰ نفر هستند. هند دارای ششمین نیروی دریایی و چهارمین نیروی هوایی بزرگ دنیا می‌باشد (Bland Akhtar, 2009, p.49). پیش‌بینی شده میزان پرسنل نظامی هند در سال ۲۰۲۵، به میزان ۲۶۸۷۹۵ نفر برسد (SIPRI Military Expenditure Database, 2014). براساس یک پژوهش مستقل در مورد قدرت نظامی کشورها و بر اساس متغیرهایی چون تعداد پرسنل نیروی هوایی، دریایی و زمینی، تعداد پرسنل نیروهای مسلح به کل جمعیت، کل و سرانه هزینه‌های نظامی، صادرات و واردات سلاح، سرانه ذخایر سلاح، تعداد کلاهک‌های هسته‌ای، هواپیماهای جنگی و رزم‌ناو و زیردریایی و... هند در بین ده قدرت نظامی برتر دنیا در جایگاه ششم قرار گرفته است (Zarghani, 2006, p. 262). نقشه زیر نشانگر این وضعیت است؛

نقشه (۱): جایگاه هند در بین ده قدرت برتر نظامی جهان



Source: Zarghani, 2006, p. 292

۳-۵- قدرت نرم هند

قدرت نرم، توان واداشتن دیگران به امری، بدون استفاده از تهدید یا زور می باشد. در واقع قدرت نرم مبتنی بر اقناع و جذب و اغوای مردم است (Nay, 2008, p. 138). هند از جمله کشورهایی است که دارای منابع متعدد قدرت نرم است. برخی از مؤلفه‌های قدرت نرم هند به شرح زیر است:

۱- هند با استفاده از دیپلماسی فعال خود توانسته است آمریکا و قدرت‌های دیگر را متقاعد کند که هند در قبال داشتن تسلیحات اتمی کشوری مسئولیت‌پذیر است. از این رو آمریکا به جهان قبولاند که هند یک عضو عادی باشگاه هسته‌ای جهان باشد؛

۲- دیپلماسی فعال هند سبب شد تا آمریکا از بین هند و پاکستان، هند را شریک استراتژیک و دوست خود انتخاب کند؛

۳- عضویت در ۷۷ سازمان و نهاد منطقه‌ای و بین‌المللی؛

۴- هند در تمام کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل از اعضای فعال و صاحب‌نظر تلقی می‌گردد؛
۵- هند سومین کشور فعال در دنیا به لحاظ اعزام نیروهای پاسدار صلح است. هند تا به حال یک صد هزار نیرو برای پاسداشت از صلح به نقاط مختلف جهان فرستاده، و در ۴۸ عملیات حفظ صلح شرکت کرده است؛

۶- سابقه طولانی هند در مبارزه با تبعیض نژادی و همچنین حمایت آن از نهضت‌های ملی آزادی‌بخش در کشورهای آسیا و آفریقا؛

به‌طور کلی در میان کشورهای شبه‌قاره و حوزه اقیانوس هند، کشور هند به دلیل وسعت و گستره جغرافیایی، میزان جمعیت، بهره‌مندی از مواد خام زیرزمینی و بالاخره قدرت عظیم اقتصادی و نظامی دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در منطقه و جهان است (Akhvan Kazemi & Azizi, 2013, p. 26).

۴-۵- توانمندی‌های تکنولوژیکی هند

هند از کشورهای پیشرو در خدمات آی‌تی است. بخش‌های خدمات آی‌تی (IT) هند پنج‌برابر چین است. در مقایسه با چین، علی‌رغم رشد بیشتر چین در تولید ناخالص داخلی نسبت به هند، شرکت‌های هندی در جهانی‌سازی خود موفق‌تر از شرکت‌های چینی بوده‌اند (Gupta & Wang, 2009, p.151). قدرت اقتصادی هند به‌ویژه در فناوری هوا و فضا و جهش علمی آن در عرصه فناوری اطلاعات به گونه‌ای که حجم صادرات نرم‌افزار آن کشور سالانه رقمی حدود ۲۵ میلیارد دلار را تشکیل می‌دهد (2010, P.79). صادرات هند در این بخش در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴م. حدود ۱۶۷ میلیارد دلار بوده

است (Live mint, 2015). پیش‌بینی شده است تا ۲۰۵۰ هند و چین حدود ۴۰ درصد تقاضای جهانی در این زمینه را به خود اختصاص دهند (Gupta & Wang, 2009, p.151).

۶- تبیین روابط ژئوپلیتیک ایران و هند

۶-۱- وابستگی‌های ژئواکونومیک/ژئوپلیتیک انرژی

الف) وضعیت منابع انرژی فسیلی در ایران

اهمیت انرژی بدان حد است که دولت‌های مصرف‌کننده-مکان‌های تولید انرژی، و دولت‌های تولیدکننده-مکان‌های مصرف انرژی، و هر دو مسیرهای انتقال و تکنولوژی‌های مربوط به انرژی را جزو اهداف ملی و امنیت ملی خود محسوب می‌کنند (Hafznia, 2006, p.102-103). ایران با جای گرفتن در منطقه خاورمیانه و بین دو حوزه سرشار از انرژی، یعنی خلیج فارس و دریای خزر (بیضی انرژی)، دارای اهمیت ژئواستراتژیک است. دوسوم ذخایر اثبات شده نفت و یک‌سوم ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان، در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارند. ذخایر نفت این حدود منطقه ۷۰٪ و ذخایر گاز آن به بیش از ۴۰٪ می‌رسد. به همین دلیل بیضی انرژی، یکی از مهم‌ترین مکان‌های استراتژیک دوران ماست (Kemp & Harkavy, 2004, Pp. 187-188). ایران در مرکز بیضی استراتژیک قرار دارد. بنا به گزارش بریتیش پترولیوم (BP) در سال ۲۰۱۳، ایران با ۹/۳٪ کل ذخایر نفت جهان، چهارمین دارنده بزرگ ذخایر نفتی جهان است (BP, 2013). این میزان نفت بر اساس گزارش ۲۰۱۵ نیز صادق بوده است. همچنین بریتیش پترولیوم (ژوئن ۲۰۱۵)، ذخایر گازی ایران را ۳۴ تریلیون متر مکعب اعلام کرد، که با این اعلام، ایران بزرگ‌ترین دارنده منابع گازی جهان به شمار می‌رود (BP, 2015, P. 6). بر این اساس، ایران از نظر داشتن ذخایر غنی انرژی‌های فسیلی و توان استخراج و صادرات جزو کشورهای مهم جهان قلمداد می‌شود.

ب) اهمیت استراتژیک واردات انرژی در توسعه هند

هند از جمله کشورهایی است که در زمینه رشد صنعتی و اقتصادی از جایگاه مهم و قابل توجهی در سطح منطقه و جهان برخوردار است. به طور قطع، تداوم رشد دهه گذشته هند مربوط به برقراری روابطی مستحکم با کشورهای تولیدکننده انرژی است (Sadeghi, 2011, p.131). در حال حاضر نیاز فزاینده به منابع انرژی در هند ناشی از صنعت‌گرایی و شهرنشینی شتاب‌دار است. منابع انرژی هند عمدتاً ذخایر زغال‌سنگ داخلی و واردات نفت است. در هند زغال‌سنگ با بیش از ۵۳٪، عمده‌ترین تأمین‌کننده انرژی مصرفی است. همچنین نفت خام با سهمی معادل ۲۹٪ دومین منبع انرژی این کشور است (Sadeghi, 2011, p.131).

Koolae & tishehyar, pp.74-75). مصرف اولیه انرژی این کشور در سال ۲۰۱۱م. برابر با ۵۶۰ میلیون تن نفت خام بوده است که به تنهایی ۴/۶٪ از مصرف انرژی اولیه جهان را شامل می‌شود. هند همچنین رتبه بیست و پنجم در زمینه ذخایر گازی طبیعی و رتبه بیست و سوم در زمینه ذخایر نفت خام را در جهان داراست. بر این اساس هند به منظور تداوم رشد اقتصادی ۷/۵ درصدی خود، به واردات انرژی نیاز مبرم دارد. این در حالی است که بر اساس گزارش بریتیش پترولیوم، نرخ رشد متوسط تقاضای انرژی جهان طی ۱۰ سال اخیر ۴/۲٪ بوده است. دو کشور هند و چین در زمره بزرگ‌ترین کشورهای مصرف‌کننده انرژی جهان هستند. میزان تقاضای جهانی هند و چین بر اساس گزارش (BP)، در سال ۲۰۱۵، به ترتیب ۷/۱٪ و ۲/۶٪ بوده است. این میزان تقاضای انرژی مصرفی هند از حد متوسط جهانی هم بیشتر است (BP, 2015, P. 2).

پ) نیاز نفتی هند به ایران

به‌طور کلی نفت ایران ۸الی ۱۴٪ از نفت وارداتی هند را تشکیل می‌دهد (Niakoe 2014, p. 135). در عین حال هند در مارس ۲۰۱۴ بیش از ۳۴۸ هزار بشکه نفت از ایران وارد کرده است. هند در آستانه سفر اوباما به پالایشگاه‌های خود اعلام کرد که واردات خود از ایران را کاهش دهند. بر اساس تحریم‌های غرب علیه ایران، تا تعیین تکلیف نهایی وضعیت تحریم‌ها، مقرر شد هند به درخواست آمریکا، سطح واردات نفتی خود از ایران را حداکثر در سطح سال ۲۰۱۳ نگه دارد. هرچند آمارها حاکی از آن است که واردات نفت هند از ایران در ماه‌های آوریل ۲۰۱۴ تا فوریه ۲۰۱۵ نسبت به دوره مشابه سال قبل که روزانه ۲۰۶ هزار و ۸۰۰ بشکه بوده است، افزایش ۱۶٪ داشت (Economic word, 2015, p.11). ولی به‌طور اجمالی واردات نفت هند از ایران در حال حاضر روند کاهشی به خود گرفته است، به‌طوری که بنا به آمارهای موجود، هند به‌عنوان چهارمین مصرف‌کننده بزرگ نفت در جهان، در هفت ماه گذشته (۲۰۱۵) به‌طور متوسط روزانه ۲۱۲ هزار و ۶۰۰ بشکه نفت از ایران وارد کرده است که به نسبت گذشته ۲۱/۸٪ افت داشته است. لازم به ذکر است دلیل این افت و کسری واردات بنا به ملاحظات مختلفی است که تدریجاً رفع خواهد شد. با این حال پس از رفع کامل تحریم‌ها، تقاضای انرژی از ایران شدت بیشتری به خود می‌گیرد و بسیاری از کشورها خواهان قراردادهای جدید انرژی با ایران هستند. بریتیش پترولیوم در جدیدترین گزارش خود، در سال ۲۰۱۵ میلادی برآورد ذخایر نفتی ایران را معادل ۱۵۷ هزار میلیون بشکه نفت، اعلام کرد. با این برآورد ایران ۹/۳٪ کل ذخایر نفتی جهان و ۱۹/۴٪ کل ذخایر نفتی خاورمیانه را در اختیار دارد و از این لحاظ در جایگاه چهارم جهان قرار دارد (BP, 2015, p. 6).

ت) نیاز گازی هند به ایران

نیاز هند به منابع گازی نیز بالا است. کشور هند در مقام چهارمین قدرت اقتصادی آسیا، ۷۵٪ انرژی مصرفی صنایع خود را از خارج تهیه می‌کند. این کشور قصد دارد تا ۲۰ سال آینده گاز را از جایگزین سوخت‌هایی مانند زغال‌سنگ، نفت و مانند آن در تأسیسات بزرگ صنعتی خود کند، تا از یک سو انرژی ارزان‌تری مصرف شود و از دیگر سو محیط‌زیست را کمتر آلوده نماید (Kaviani Rad, 2006, p. 103). از میان کشورهای آسیایی، چین و هند به ترتیب با ۴۱۴٪ و ۲۱۵٪ بیشترین رشد تقاضای گاز طبیعی را در آینده خواهند داشت. گفتنی است تقاضای گاز طبیعی هند از ۵۹ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰ به ۱۸۶ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۵ افزایش خواهد یافت (Shadivand, 2013, p. 14).

۶-۲- کریدور شمال- جنوب (NOSTRAC) و طرح توسعه بندر چابهار

در سال ۱۹۹۳، متعاقب برگزاری اجلاس کمیسیون اروپا، وزرای حمل‌ونقل کشورهای عضو، علاوه بر کریدورهای شمالی، مرکزی و جنوبی شاهراه ترانزیتی موسوم به کریدور ترانزیتی شمال- جنوب را معرفی کرده و به تصویب رساندند. در شهریورماه ۱۳۷۹، زمانی که موافقت‌نامه کریدور شمال- جنوب در سن‌پترزبورگ میان وزرای حمل‌ونقل سه کشور ایران، هند و روسیه به امضا رسید، چابهار به عنوان بندری استراتژیک در این کریدور معرفی شد. کریدور یادشده در حال حاضر از بندر بمبئی در حوزه اقیانوس هند آغاز و از طریق دریا به بندرعباس در جنوب ایران متصل می‌شود.

کریدور شمال- جنوب که بخش مهمی از آن از خاک ایران می‌گذرد در حال حاضر کوتاه‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و سریع‌ترین مسیر ترانزیت کالا بین آسیا و اروپا به شمار می‌رود. غیر از این، این کریدور ارتباط ترانزیتی کشورهای شمال اروپا، اسکانندیناوی و روسیه را از طریق ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، حوزه اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا برقرار می‌سازد (Khalili et al., 2011, p. 110). از این سو کالاهای ترانزیتی در داخل خاک ایران نیز از طریق حمل‌ونقل جاده‌ای یا ریلی به بنادر شمالی کشور انتقال یافته و از مسیر دریای خزر به بنادر آستاراخان و لاگان روسیه حمل می‌شوند. هزینه حمل کالاهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال- جنوب، نسبت به سایر مسیرهای سنتی، تا ۴۰٪ کوتاه‌تر و تا ۳۰٪ ارزان‌تر از مسیر کانال سوئز است (Sing Roy, 2012, p. 14). در این کریدور بندر چابهار و راه‌های زمینی اتصال آن به مرز ترکمنستان، کوتاه‌ترین مسیر حمل‌ونقل زمینی کالا در کریدور شرق و شاهراه تغذیه کشورهای آسیای میانه معرفی گردیده است. بندر چابهار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مسیر چندین شاهراه مهم بین‌المللی واقع شده است و قابلیت تبدیل شدن به یکی از راهبردی‌ترین موقعیت‌های ترانزیتی را دارد. همچنین این بندر عضو دو سازه منطقه‌ای یعنی سازه دریای عمان و سازه اقیانوس هند است و

می تواند با سه قاره آفریقا، آسیا و اقیانوسیه ارتباط برقرار کند (Hafeznia et al., 2007, pp. 111-112). به همین خاطر چابهار به عنوان «دروازه بزرگ» به کشورهای محصور افغانستان و دولت های مستقل مشترک المنافع یاد می شود. توسعه بندر چابهار توسط هند، آثار فراوانی برای هر دو کشور ایران و هند در بر دارد. توسعه این بندر توسط هند، سبب خواهد شد تا هند با توجه به روابط و مشترکات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران با کشورهای آسیای میانه و افغانستان، برای تجارت با این کشورها، دیگر نیازی به حمل کالاهای خود از طریق خاک پاکستان نداشته باشد (Ali Khan, 2012, p.125). همچنین در رقابت با چین که در توسعه بندر گوادر مشارکت دارد، هند می تواند از طریق گسترش همکاری های خود در بندر چابهار، حوزه نفوذش را در رقابت با چین و پاکستان در کرانه های دریای عمان و اقیانوس هند گسترش دهد (Niakoe & Bahrami Moghadam 2014, p. 137). به طور کلی برخی از آثار اجرای طرح کریدور شمال-جنوب را می توان این گونه برشمرد؛ افزایش سرعت تجارت و ترانزیت، افزایش حجم مبادلات کالا بین هند و پاکستان و کشورهای حاشیه اقیانوس هند با کشورهای روسیه و آسیای مرکزی، همکاری مناسب بنادر ایرانی با بنادر روسیه و قزاقستان- که بستر مناسبی را برای همکاری بیشتر این کشورها فراهم می کند و به طور کلی کاهش تنش بین کشورهای حاشیه خزر، درآمد بالغ بر یک میلیارد دلار در سال برای کشورهایی که در مسیر این راه گذر هستند، کاهش وابستگی تجارت و ترانزیت کشورهای جنوبی آسیا به کانال سوئز، ایجاد قطب های خارجی جدید تولیدی، اقتصادی و تجاری در منطقه (Khalili et al., Ibid, p. 110). هند مصمم به اجرای توسعه دروازه (چابهار)، کریدور شمال-جنوب است. در سفر سلمان خورشید، وزیر امور خارجه این کشور به تهران برای هفدهمین نشست کمیسیون مشترک ایران و هند در مه ۲۰۱۳، هند به طور رسمی مشارکت در پروژه توسعه بندر چابهار ایران را تأیید کرد. قبل از این در سال ۲۰۰۸ دو دولت توافق کردند که در ایجاد یک خط آهن از مرزهای روسیه به بندر چابهار با همدیگر همکاری کنند. هند متعهد به تدارکات امور فنی و نیروهای متخصص و تهیه لوکوموتیوها و بخش یدکی این خط راه آهن شده است (Daniels, 2013, p. 96). همچنین ایران و هند توافقاتی نیز در مورد طرح راه آهن چابهار- فاراب- بم، انجام دادند و مشغول اجرا و توسعه این طرح هستند. آنها در صدد هستند تا ظرفیت انتقال ۲/۵ تنی این مسیر به ۵ برابر افزایش یابد. هم اکنون کالاهای هند از طریق راه مبادلاتی چابهار، بم، زرنج- دلارام به شاهراه شمال- جنوب افغانستان توزیع می شود. تکمیل مسیر دلارام- زرنج موجب شده است که مسیر چابهار به آسیای میانه ۱۵۰۰ کیلومتر کوتاه تر شود (Dietl, 2012, p.14). از سویی اجرای این طرح، جمهوری اسلامی را امیدوار می کند تا با تکمیل بندر چابهار از

تراکم وابستگی به بندرعباس بکاهد. راه‌های منتهی به بندر چابهار و طرح‌های فرودگاه‌های تجاری، راه آهن، طرح‌های پتروشیمی، اسکله‌ها، نیروهای برق، صنایع سنگین و کارخانه‌های بزرگ کشتی‌سازی این بندر، زمینه‌های عظیم برای همکاری ایران و هند محسوب می‌شوند (Niakoe & Ibid, p. 138). بی‌شک رونق کریدور شمال-جنوب و در رأس آن، بندر چابهار سرآغاز توسعه پایدار جنوب شرق است و در نهایت به برقراری و گسترش رفاه و امنیت منجر می‌شود و در عین حال ایران را به یک قدرت منطقه‌ای متصل به نظام بین‌المللی، مبدل می‌سازد.

۶-۳- تروریسم و ملاحظات و نگرانی‌های مشترک امنیتی

افزایش تهدیدات امنیتی ناشی از پدیده تروریسم به ویژه اقدامات گروه‌های افراطی و تکفیری در منطقه آسیای غربی و جنوب غربی آسیا و همچنین شبه قاره هند، تهدیدهای مشترکی برای امنیت ملی دو کشور و همچنین امنیت و ثبات امنیتی منطقه محسوب می‌شوند. در این راستا تهران و دهلی‌نو در مورد پیامدهای زیان‌بار گسترش شبه‌نظامی اسلام‌گرای سنی در جنوب آسیا، آسیای مرکزی و سایر مناطق نگران هستند. هر دو کشور نگران احیای قدرت و نفوذ گروه‌های افراطی در افغانستان و فراسوی آن به‌ویژه در پاکستان می‌باشند. تجربه نشان داد که هرگاه در افغانستان و پاکستان گروه‌های تروریستی و تندرو قدرت بیشتری یافتند (Maghsodi & Heydari, 2009, p. 50)، دامنه ناآرامی‌ها و تنش‌های به‌وجودآمده از ناحیه این گروه‌ها به هند و ایران سرایت کرده است. عمدتاً نیروهای رادیکالی که در پاکستان آموزش می‌بینند تحت حمایت‌های لجستیکی عربستان و پاکستان برای هند و ایران تهدیدی بالقوه‌ای هستند. در پی جنگ‌های هند و پاکستان بر سر حاکمیت ایالات کشمیر بود که بسیاری از این گروه‌ها بر علیه هند، در قالب گروه‌های جهادی کشمیر وارد منازعه هند و پاکستان شدند. در همان سال‌های اول جهاد کشمیر (۱۹۹۰-۱۹۹۸م) بیش از ۱۵۰ گروه در صحنه حاضر شدند و بعضاً برخی از این گروه‌ها با هم متحد شدند و گروه‌های بزرگ‌تری را تشکیل دادند (Jamal, 2010, p.8). حرکه‌المجاهدین (HUM)، لشکر طیبه (LT)، جیش محمد (JM)، مجاهدین‌البدن (MB)، احرارالهند (EI) و... از جمله گروه‌های کشمیری-پاکستانی هستند که اغلب در رابطه با هند تعریف شده‌اند. لشکر جهنگوی، سپاه صحابه، جندالله، جیش‌العدل، نیز از جمله گروه‌هایی هستند که به تبعیت از مشترکات دیوبندی و وهابیت، تابع‌حال علیه شیعیان و ایران دست به خشونت‌های گسترده زده‌اند. نکته اصلی این است که پایگاه بسیاری از این سازمان‌های ستیزه‌گر در مناطق قبیله‌ای پاکستان و کشمیر آزاد است و بدتر اینکه برخی از تحلیل‌گران معتقدند که عناصر طالبان و آی.اس.آی (سازمان اطلاعات پاکستان) با یک‌دیگر همکاری دارند و فعالیت‌های‌شان جدا از هم نیست. «جان جک رونی»، مدّعی است که ۱۸۰ گزارش مستند متفاوت موجود است که نشان از دیدار افراد

رده بالای آی.اس.آی، با فرماندهان ارشد طالبان دارند، که اغلب وظیفه آنها آموزش بمب گذاری و حتی سازمان دهی عملیات پیچیده به عناصر طالبان است (Baqal, 2012, p. 243). همچنین ارتباط گروه های افراطی پاکستانی با جنبش ها و گروه های آسیای مرکزی مانند: حزب النصرت، حرکت اسلامی ازبکستان، حزب التحریر اسلامی و زیرشاخه های آن نظیر گروه اکرمی و سایر جنبش های اسلامی آسیای مرکزی، از چالش های اساسی سیاست خارجی دو کشور در این منطقه می باشند. این گروه ها عمدتاً در کشورهای ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان فعالیت می کنند. اهمیت بنیادگرایی اسلامی در این منطقه از آن بابت است که این گروه ها تحت تأثیر اندیشه های سنی - وهابی قرار دارند (Alavian & Kouzehgar Kaleji, 2010, p. 79)، که در صورت قدرت گیری این گروه ها، نمی توان رویکرد مناسبی با ایران و هند در ارتباط با آنها متصور بود. از این رو هند بیم آن را دارد که گسترش طالبان باعث افزایش فشار بر کشمیر و دسترسی استراتژیک پاکستان به دروازه های آسیای مرکزی شود (Sing Roy, 2001, p. 56). به همین خاطر ملاحظات ژئواستراتژیک از سوی هند در جهت جلوگیری از محاصره شدن توسط کشورهای اسلامی که در ارتباط نزدیک با سیاست های پاکستان است، می تواند یکی از انگیزه های مهم هند در نزدیک شدن به ایران و تمایل به همکاری با این کشور در آسیای مرکزی تلقی شود (Saghafi Ameri, 1994, p. 356).

در یک بررسی اجمالی می بینیم که در عمل این گروه ها تا به حال دست به خشونت های زیادی علیه ایران و هند زده اند. حمله لشکر طیبه (نوامبر ۲۰۰۸) به مناطقی از شهر مومبای (مرکز تجارت هند) که منجر به کشته شدن ۶۵ تن و مجروح شدن بیش از ۳۰۰ تن شد (Maleki, 2014, p. 336) و حمله به سفارت هند در ۲۰۰۹ که منجر به کشته شدن ۷۵ نفر شد از جمله اقدامات این گروه ها است. همانند هند، تا به اکنون حملات تروریستی زیادی علیه ایران در داخل و خارج، از جانب این گروه ها صورت گرفته است. ترور صادق گنجی (مسئول خانه فرهنگ ایران در لاهور)، قتل عام صدها نفر از شیعیان هزاره توسط طالبان در افغانستان، ترور دیپلمات های ایران در افغانستان و حمله به مسافران در محور تاسوکی - زابل که منجر به شهادت ۲۲ تن شد، تنها بخش کوچکی از عملکردهای خشونت طلب این گروه ها است. گفتنی است از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ هند در میان هشت کشوری قرار دارد که بیشترین میزان حملات تروریستی را تجربه کرده است (Maghsodi & Heydari, Ibid, p. 41). اقدام دیگری که قادر است هند و ایران را از جانب این گروه ها مورد تهدید قرار دهد، دستیابی احتمالی آنها به تأسیسات هسته ای است. با توجه به همجواری دولت های پاکستان و افغانستان به عنوان مأمین گروه های افراطی با دو کشور هند و ایران و با وجود تأسیسات هسته ای (در پاکستان)، دو کشور می توانند در معرض مستقیم اقدامات گروه های افراطی برای

دستیابی به مواد و تسلیحات هسته‌ای قرار بگیرند (Sjadpor & Karimi Ghahroudi, 2011: 249). بنابراین با وقوع حوادث هسته‌ای (عمدی یا غیرعمدی) توسط گروه‌های افراطی، حتی اگر این کشورها هدف مستقیم نباشند، باز هم متأثر خواهند شد. با به قدرت رسیدن حزب BJP در هند (۱۹۹۸-۲۰۰۴م). روابط دو کشور شاهد یک تحول اساسی بود و از روابط اقتصادمحور به امنیت‌محور ارتقا یافت. انعکاس نگرانی مشترک ایران و هند درباره تروریسم به طور کلی و القاعده و طالبان به طور خاص، سبب شد که برای مقابله با تهدیدات ناشی از پدیده تروریسم در سال ۲۰۰۳م. گروه کاری مشترک هند و ایران برای مقابله با حرکات تروریستی در منطقه ایجاد شود (Ahmadi fesharaki, 2011, 169). هم‌سو با تلاش آنان در زمینه تروریسم، ایران و هند گروه کاری مشترکی را در مقابله با قاچاق مواد مخدر و اسلحه، به‌ویژه از پاکستان و افغانستان، ایجاد کردند. هند و ایران نگرانی مشترکی درباره نقش گذشته و حال پاکستان در تقویت اسلام وهابی و تأمین انواع کمک برای طالبان دارند. هم‌اکنون نیز هر دو کشور نسبت به صداقت پاکستان در نبرد با طالبان و حضور و نفوذ طالبان در خاک پاکستان تردید دارند (Fair, 2011, p. 105).

۶-۴- جایگاه آسیای مرکزی در وابستگی‌های هند

منطقه آسیای مرکزی یکی از حوزه‌های مهم انرژی محسوب می‌شود. این منطقه که حول دریای خزر واقع شده است به مثابه قلب و روح ژئوپلیتیک جهانی است. بی‌شک در حال حاضر، به دلیل نیازهای بازار جهانی به منابع انرژی، وجود این منابع، بیش از هر چیز دیگری به این منطقه جذابیت بخشیده است. این منطقه در کمترین تخمین ۱۷/۲ و در بیشترین ۴۹/۷ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده و یا ۵٪ از کل ذخایر جهانی نفت و ۶/۶۵ تریلیارد مترمکعب یا ۳/۸٪ کل ذخایر جهانی گاز را داراست (Bp, 2011). براساس پیش‌بینی‌های مؤسسه (IEA)، تولید گاز طبیعی کشورهای آسیای میانه در طول دوره مورد بررسی افزایش قابل توجهی خواهد داشت و از ۱۵۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۱ به ۲۶۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۲۰ و در نهایت ۳۱۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۵ افزایش خواهد یافت (IEA, 2011).

آسیای مرکزی و اهمیت ژئوپلیتیک دسترسی ایران

از آنجایی که همه کشورهای جدا شده از اتحاد شوروی پیشین در قفقاز، خزر و آسیای مرکزی کشورهای محاصره شده در خشکی هستند و از دسترسی آسان یا مستقیم به راه‌های دریایی بی‌بهره‌اند، ژئوپلیتیک دسترسی قادر است این کشورها را از طریق همسایگان به تجارت پررونق دریا متصل کند. بنابراین دسترسی این جغرافیای ویژه می‌تواند بازرگانی دریایی میان پنج کشور کرانه‌ای را تقویت بخشد (Mojtahed Zadeh, 2002, P. 232). ایران تنها راه دسترسی هند از نظر ژئوپلیتیک به آسیای مرکزی

است؛ زیرا از یک طرف ایران از طریق مرز مستقیم زمینی (مرز مشترک با ترکمنستان) و دریایی (قزاقستان و ترکمنستان در دریای خزر) با آسیای مرکزی ارتباط دارد و از طرفی دیگر ایران رقابت ژئوپلیتیک آشکاری با هند چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی در این منطقه ندارد. ایران همچنین دارای نفوذ تاریخی و فرهنگی در همه کشورهای منطقه است. مسیر ایران کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین و امن‌ترین مسیر دسترسی این کشورها به جهان بیرون است (Zarghar, 2007, P. 158). در مورد دسترسی هند به آسیای میانه باید گفت بازرگانی دریایی هند در حال حاضر از بندرهای گرجستان و اوکراین استفاده می‌کند که با پیمودن صدها کیلومتر راه خشکی از روسیه با آسیای مرکزی میسر می‌شود، همچنین از آنجایی که بخش اعظمی از نفت هند از تنگه مالاکا جابه‌جا می‌شود، مسیر مستعدی برای دزدی دریایی و تروریسم است. پس کرانه‌های ایرانی مکران در دریای عمان قادر است به عنوان پل سرزمینی ارتباط‌دهنده خزر و آسیای مرکزی به اقیانوس هند، در روابط بازرگانی هندوستان با آن منطقه نقش محوری را بر عهده بگیرد (Mojtahed Zadeh, *ibid*, p. 233). در این راستا ایران پیشنهاد کرده بود که هندوستان هزینه تأسیس هفت صد کیلومتر راه آهن ارتباط‌دهنده بافق به مشهد را برای دسترسی مستقیم به آسیای مرکزی تأمین نماید. دسترسی مستقیمی که می‌تواند مسیر آسیای مرکزی- اقیانوس هند را صدها کیلومتر کوتاه‌تر سازد. این اقدام می‌تواند شبه قاره هند را در آسیای مرکزی از امتیاز ویژه‌ای نسبت به رقیبان خود برخوردار سازد. از این رو نیاز روبه‌رشد کشورهای آسیای مرکزی به کاهش آنتروپی و ارتباط با جهان خارج از ژئوپولیتیک بری و وابستگی کشورهای آسیای مرکزی به قابلیت‌های ترانزیتی و معبری ایران در دسترسی به خارج از منطقه به نوعی جذابیت ژئوپلیتیک دسترسی ایران را در نزد سایر کشورها بیشتر آشکار می‌کند (Hafeznia at el., 2007, pp. 98-99).

به‌طور کلی مسیر ایران برای ورود به آسیای مرکزی برای هند به چند دلیل حائز اهمیت است:

- ۱- دستیابی به منابع سرشار انرژی آسیای مرکزی؛
- ۲- دسترسی آسان و مقرون‌به‌صرفه بودن از طریق مسیر کریدوری ایران؛
- ۳- هم‌سو شدن و اتحاد دو کشور در جهت مبارزه با تروریست؛
- ۴- حفظ توازن قوا با دو کشور همسایه (پاکستان به عنوان دشمنی دیرینه و چین به عنوان رقیبی قدرتمند)؛ (Koolae & tishehyar, 2011, p. 175).

۵-۶- اهداف مشترک در افغانستان

شاید بتوان گفت هند و ایران از معدود کشورهایی هستند که تعهدات خود را در رابطه با افغانستان عملیاتی کرده‌اند. هرچند افغانستان از نظر جغرافیایی جزو شبه‌قاره هند محسوب نمی‌شود، لیکن از نظر

اجتماعی، سیاسی و تاریخی همواره در تحولات شبه‌قاره تأثیرات زیادی داشته است. ایران نیز همواره از ابعاد سه‌گانه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچری، از سیاست‌های پاکستان در افغانستان متأثر شده است (Ezzati & Kaviani, 2008, p. 170).

به‌طور کلی ایران و هند دارای زمینه‌های مشترکی از همکاری‌های سیاسی، استراتژیکی، عمرانی، اقتصادی و ترانزیتی در افغانستان هستند.

۱- اهداف استراتژیک

هدف اصلی هند از پی‌ریزی مشارکت استراتژیکی با افغانستان را می‌توان خروج از حصار تنگ منطقه جنوب آسیا و دستیابی به هژمونی منطقه‌ای نام برد. پی‌ریزی مشارکت استراتژیک با افغانستان می‌تواند هند را در دستیابی هدف اصلی خود در جنوب آسیا که همان هژمون منطقه‌ای است، یاری دهد، چراکه مشارکت استراتژیک هند با افغانستان، «عمق استراتژیک» این کشور را تا آسیای مرکزی گسترش می‌دهد؛ که نه تنها از محاصره هند، توسط چین و پاکستان جلوگیری می‌کند، بلکه باعث محاصره و مهار پاکستان شده و فشارهای مضاعفی را بر این کشور وارد می‌سازد (Shafie et al., 2012, p. 130). مسلماً ایران نیز چنین اهدافی در افغانستان دارد. ژئوپلیتیک ایران ایجاب می‌کند از نفوذ هر کشور خارجی در افغانستان که بتواند با منافع ایران در این کشور رقابت کند، پیشگیری به عمل آورد. مسلماً پاکستان یک چنین رقیب بالقوه‌ای است (Fuller, 1996, p. 253). این تهدیدات از یک سو افزایش اقدامات و عملیات‌های تروریستی علیه منافع ایران را مطرح می‌نماید و از سوی دیگر، احتمال تکوین گروه‌های تروریستی (مانند گروهک‌های تروریستی جندالله و جیش‌العدل) در مرزهای شرقی را به ذهن متبادر می‌سازد (Mahmoudi, 2014). اجماً تقویت طالبان و گروه‌های تروریستی که پاکستان با تمام توان به آن پرداخت، باعث تشنج و آشفتگی روابط سیاسی آن کشور با ایران و نگرانی هندوستان و نارضایتی چین و روسیه و کشورهای آسیای میانه شده است.

۲- همکاری‌های ترانزیتی

آنچه که نماد و سمبل همکاری ایران و هند در افغانستان است، مربوط به همکاری‌های ترانزیتی است. مهم‌ترین همکاری‌های ترانزیتی که در حال انجام است، ساخت بزرگراه چابهار-زابل-دلارام-زرنج است که این مسیر از طرفی افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی را به دریا متصل می‌سازد، و از طرفی دیگر هند را به افغانستان و آسیای مرکزی متصل می‌سازد. موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه ایران در کنار ممانعت پاکستان از صدور کالاهای هندی، باعث توجه ویژه هندی‌ها برای صدور کالای خود از طریق خاک ایران شده است (Shafie et al., 2012, p. 145).



نقشه ۲. پروژه خطوط ریلی برای دسترسی هند به منابع کانی افغانستان از مسیر ایران

۳- اهداف عمرانی و اقتصادی

به دلیل سال‌ها بحران و جنگ، افغانستان در وضعیت بدی از نظر اقتصادی قرار دارد. بر طبق آمار بانک جهانی در آوریل ۲۰۱۵، طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲م. رشد اقتصادی افغانستان ۳/۲٪ بوده، که همین مقدار رشد کم نیز روند نزولی داشته و در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴، رشد این کشور تنها ۲٪ بوده است. تولید ناخالص ملی افغانستان نیز طی روند نزولی در سال ۲۰۱۱، از ۱۱/۶٪ به ۸/۴٪ در سال ۲۰۱۴ رسید (THE WORLD BANK, 2015). ایران و هند هر دو در زمره کمک‌کنندگان به افغانستان هستند. این همکاری‌ها هم به عنوان مانعی در برابر جاه‌طلبی‌های پاکستان در منطقه و هم راهی برای جلوگیری از انزوای بیشتر ایران خواهند بود (Nader et al., 2014). ایران به احیای زیرساخت اقتصادی افغانستان کمک می‌کند و در این کشور به ساخت جاده و نیز سایر زیرساخت‌ها مشغول است و سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در این کشور انجام داده است (Zarghar, 2007, pp. 159-160). هند نیز بیش از ۱/۲ میلیارد دلار برای کمک‌های عمرانی، بازسازی و بشردوستانه در افغانستان هزینه کرده است؛ ساخت مدرسه، بورس ۱۰۰۰۰ دانشجوی افغانی، ساخت بزرگراه، سد، نیروگاه‌های برقی و غیره تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های عمرانی هند در افغانستان است. بی‌جهت نیست که حجم تجارت هند و پاکستان در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴، بالغ بر ۶۸۰ میلیون دلار بوده است (Haidari, 2015). از سال ۲۰۰۲ که عملیات ناتو در افغانستان شروع شد، ایران نیز حدود یک میلیارد دلار کمک اقتصادی به افغانستان کرده است. غیر از این به دلیل سال‌ها جنگ، معادن افغانستان دست‌نخورده باقی مانده و امکانات لازم برای

استخراج آن در افغانستان وجود ندارد؛ ایران و هند به دلیل داشتن امکانات استخراج معادن، می‌توانند در بخش استخراج معادن به افغانستان کمک کنند. اگر افغانستان روابط اقتصادی خود را با هند و ایران گسترش دهد، از احتمال وقوع حوادث ناگوار در پی خروج نیروهای خارجی از افغانستان کاسته خواهد شد. برعکس، اگر افغانستان نتواند مناسبات خود را با هند و ایران گسترش دهد، کوتاه زمانی پس از خروج ناتو از این کشور با بحران‌های جدی روبه‌رو خواهد شد (Imam Zadeh, 2013, p. 33-34).

۴- ترجیحات ایران و هند و سناریوی ادامه حضور نظامی آمریکا در افغانستان

براساس برنامه باراک اوباما مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، قرار بود که نیروهای این کشور تا پایان سال جاری میلادی (۲۰۱۵) به نصف کاهش یابند و تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی نیز به‌طور کامل خاک افغانستان را ترک کنند. اما پس از کشمکش‌های فراوان میان مقامات آمریکایی، برنامه خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تا حدودی تغییر یافت. بر اساس برنامه جدید، آمریکا گفته است در حال حاضر قصد خروج از افغانستان را ندارد. قرار است این کشور تا آغاز سال ۲۰۱۷ نیروهایش را به ۵ هزار و ۵۰۰ نفر در افغانستان کاهش دهد (Rosenberg & Shear, 2015). آمریکا ماندن خود در افغانستان را این‌گونه توجیه می‌کند که هنوز نیروهای امنیتی افغانستان توان لازم برای برقراری نظم و دفاع از حاکمیت ملی این کشور را ندارند، تا جایی که در ماه‌های گذشته طالبان موفق شد با شمار اندک نیروهایش شهر قندوز را تصرف کند (Barnes & Gordon, 2015). یقیناً اینکه ایران تمایلی به حضور نظامی آمریکا در افغانستان ندارد، موضوع جدیدی نیست، ولی در عین حال ایران بی‌نظمی و بی‌ثباتی در افغانستان را نیز بر نمی‌تابد. اشتراک منافع ایران با آمریکا در افغانستان، حتی بیش از پاکستان است. ایران همانند آمریکا، خواهان افغانستانی با ثبات و امن است. دستگیری برخی از عناصر القاعده در سال ۲۰۰۱، کمک به آمریکا در شناسایی مواضع نیروهای طالبان در همان سال، آموزش ۲۰ هزار نیروی افغانی از جانب ایران جهت بازسازی ارتش افغانستان، کمک‌های مالی متعدد و... تنها بخشی از اقدامات ایران در چارچوب هم‌سویی با آمریکا به تبع از نگرانی‌های مشترک دو کشور در افغانستان است. این‌گونه می‌نماید که در ساختار سیستم آنارشیک بین‌المللی، محرک‌ها و مشوق‌های قوی و نیرومندی مشتق می‌شوند که مجموعه‌ای از شرایط محدودکننده یکسان را برای کنش دولت‌ها ایجاد می‌کنند، لذا تحت این شرایط یکسان، دولت‌ها همگی باید رفتارهای مشابه داشته باشند (Schweller, 2014, p. 5). این‌گونه است که دولت‌ها، همکاری و پاسداری از منافع هم‌راستا و مشترک را بر منازعه ترجیح می‌دهند. همانند ایران، هند نیز نگران تهدیدات طالبان در افغانستان و بعضاً سایر گروه‌های تروریستی در پاکستان است. از آن‌جایی که هند شریک راهبردی آمریکا محسوب می‌شود؛ می‌توان گفت، افزایش تنش‌ها و اختلافات میان آمریکا و ایران میزان

آزادی عمل هند را تا حد بسیار زیادی محدود کرد و مانع تعامل بیشتر هند با همسایگان این کشور در آن سوی مرزهای شمال غربی شده است (Tanvi, 2015). با این حال روند همکاری‌های ایران و آمریکا در افغانستان به طور یقین بر روند همکاری‌های ایران و هند در امور افغانستان در همه زمینه‌های (سیاسی، اقتصادی و امنیتی)، چه در حال حاضر و چه پس از خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان، تأثیر مثبتی خواهد گذاشت. یقیناً افغانستان امن و توسعه یافته به نفع هر سه کشور ایران، آمریکا و هند خواهد بود.

۶-۶- تأثیر اجرای برجام بر چشم‌انداز روابط آتی ایران و هند

هند در سال‌های اخیر چندان توجهی به منطقه استراتژیک خاورمیانه نداشته اما نتیجه موفقیت آمیز مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در لوزان سوئیس و توافق نهایی می‌تواند ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه را به کلی دگرگون ساخته و متعاقب آن فضای دیپلماتیک قابل توجهی را برای هند و تعامل دوباره این کشور با ایران ایجاد نماید (Tanvi, 2015). بعد از مذاکرات موفقیت آمیز ایران و گروه ۵+۱، پیش‌بینی می‌شود به دلیل اهداف و منافع مشترک و وابستگی‌های متقابل دو کشور، روابط ایران و هند در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی رو به بهبودی بگذارد. البته شرکت‌های هندی تاکنون به دلیل نگرانی از تحریم‌های آمریکا و اروپا از سرمایه‌گذاری گسترده در ایران خودداری کردند. به دلیل تحریم‌ها، هند در سال مالی جاری (۲۰۱۵) نتوانست بیش از ۹ میلیون تن نفت از ایران خریداری کند. کما اینکه به واسطه این تحریم‌ها، هند از سرمایه‌گذاری ۷ میلیارد دلاری پروژه پرسود میدان فرزاد «ب» عقب نشست؛ میدانی که در سال ۲۰۰۸ توسط شرکت «او ان جی سی ویدش» هند کشف شده بود، ولی به دلیل تحریم‌ها هند آن را از دست داد (Tanvi, 2015). اگر تحریم‌ها طی این مدت کوتاه یک سال به مرور برداشته شوند در آن صورت ایران می‌تواند روزانه ۲۰۰۰۰۰ بشکه نفت عرضه شده خود را در بازارهای جهانی بیفزاید و تا اواسط سال ۲۰۱۶ وضعیت تولید را به شکل گسترده‌تری بهبود ببخشد. رفع تحریم‌های ایران می‌تواند منازعات بین هند و آمریکا را برطرف سازد و فضای بیشتری برای همکاری بین ایران و هند ایجاد نماید. با کاهش تحریم‌ها، هند قادر است با آزادی کامل از ایران نفت خریداری کند. پیش‌بینی می‌شود با این توافق بنا بر احتمالی صادرات نفت ایران به هند ۵۰٪ افزایش پیدا کند. کما اینکه دهلی گفته است قصد دارد بدهی ۶/۵ میلیارد دلاری خود به ایران را در بخش انرژی بپردازد. همچنین در دوره پساتحریم، هند در تلاش است تا حق توسعه ذخایر ۱۲/۸ تریلیون فوت مکعبی گاز میدان فرزاد «ب» را به دست آورد. غیر از این، هر چند طرح خط لوله صلح به احتمال زیاد، پروژه‌ای شکست خورده و تمام شده باشد، ولی هندی‌ها ضمن تصمیم واردات گاز از ترکمنستان (از طریق تاپی)، هنوز به واردات گاز از ایران تمایل دارند. به همین خاطر هند که تا حد زیادی به دلیل بی‌اعتمادی به پاکستان از خط لوله صلح کنار کشیده

است، هم‌اکنون مشتاق است که از طریق دریای عمان از ایران گاز وارد کند. در صورت توافق نهایی دو کشور، گاز ایران از طریق خط لوله ۱۴۰۰ کیلومتری زیردریایی به هندوستان صادر می‌شود که به‌عنوان طولانی‌ترین خط لوله انتقال گاز زیردریایی جهان به شمار خواهد رفت (Kumar, 2015). این خط لوله دارای ظرفیت صادرات روزانه بیش از ۳۰ میلیون متر مکعب گاز است. دستاوردی که با توجه به اتکای هندوستان به آلایندگی زغال‌سنگ، هم انرژی و هم آسایش محیط‌زیستی را برای این کشور به ارمغان خواهد آورد. غیر از این بندر چابهار به دلایل بسیاری برای هند کلیدی است. با آمادگی نیروهای نظامی آمریکا برای ترک افغانستان، چشم‌انداز مشترک ایران و هند در این باره، رهایی افغانستان از طالبانی است که مورد پشتیبانی پاکستان هستند و این چشم‌انداز نیازمند افزایش حضور ایران و هند در این کشور است. هند با افغانستان هم‌مرز نیست و از راه پاکستان هم نمی‌تواند به آنجا دسترسی یابد، از این‌رو چابهار برای حضور هند در افغانستان و کمک به پیشرفت آن و کوتاه‌کردن دست طالبان بسیار مهم است. اکنون زیرساخت‌ها برای دسترسی به چابهار در افغانستان به سوی مرز ایران پیشرفت کرده و ساخت راه‌های دسترسی در ایران نیز باید شتاب بیشتری گیرد. همچنین راهروی بین‌المللی ترابری شمال-جنوب که هم‌اینک در ایران در دست اجراست از دیگر دارایی‌های ایران است که باید توسط هند برای دسترسی به دیگر نقاط جهان، گسترش یابد (Ameriyan & Eskandari, 2014, p. 3).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بحث از منظر وابستگی‌های متقابل، زمینه‌های همکاری ایران و هند، متعدد و متنوع است؛ به همین خاطر است که نه ایران و نه هند، هیچ‌کدام قادر به نادیده‌گرفتن نقش آن‌یکی در مناسبات و همکاری‌های مشترک دوسویه نیستند. ایران همسایه باواسطه هند (از طریق پاکستان) است، و هند نیز همسایه پاکستان و همسایه باواسطه افغانستان محسوب می‌شود. تهدیدات دولت‌محوری پاکستان (آی.اس.آی) در حمایت از طالبان و گروه‌های متعدد ضد‌هنندی و ضدایرانی (شیعی)، تابه‌حال تبعات زیادی را برای ایران و هند دربرداشته است. این وضعیت در مورد تهدیدات افغانستان ناامن و توسعه‌نیافته با وجود مشکلات زیاد این کشور نیز صادق است. غیر از این، ماهیت ژئوپلیتیک قرن بیست‌ویکم که همانا حاکمیت مسائل ژئواکونومیک است، بیش از پیش باعث درهم‌تنیدگی و وابستگی‌های متقابل اقتصادی ایران و هند شده است. با افزایش روند روبه‌توسعه هند، به‌طور حتم روند تقاضای انرژی مصرفی این کشور نیز افزایش می‌یابد، کمااینکه هند در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین متقاضیان انرژی‌های فسیلی در جهان است و ایران نیز یکی از بزرگ‌ترین عرضه‌کنندگان آن. از دیگر جنبه‌های وابستگی ژئواکونومیک توان

بالای تکنولوژیکی هند است. در لابه لای این وابستگی متقابل، هند در ساخت و توسعه بنادر دریایی (چابهار)، ساخت مسیرهای کریدوری، جاده‌ای و ریلی، ایران را یاری می‌کند و ایران نیز به مثابه یک دالان دریایی مسیر هند به آسیای میانه و افغانستان را هموار می‌سازد. بنابراین در این معامله پایاپای هم ایران موقعیت بی‌همتای کریدوری خود را بسط می‌دهد و هم هند با انتخاب مسیری امن، کوتاه و به صرفه، غیر از مسیر رقیب و دشمن دیرینه‌اش پاکستان، وارد بازارهای پرسود آسیای میانه می‌شود. هند از نظر اقتصادی با رشد ۷/۵٪، دومین اقتصاد بزرگ جهان است؛ از لحاظ نظامی سومین ارتش، چهارمین نیروی هوایی و پنجمین نیروی دریایی جهان متعلق به این کشور است؛ به لحاظ تکنولوژی ماهواره‌ای پس از آمریکا در رده دوم است؛ و به لحاظ سیاسی خواهان مشارکت در مدیریت تصمیمات جهانی است. هند خواستار جایگاهی بزرگ در امور جهانی منطقه‌ای و نهادهایی است که هم‌اکنون در حال تشکیل شدن هستند. از این طرف نیز ایران کشوری است با موقعیت ژئوپلیتیکی استثنایی (از حیث تعدد همسایگان، کریدورهای دریایی و خشکی و...)، به لحاظ منابع انرژی، ایران رتبه اول گاز و رتبه چهارم نفت را در جهان به خود اختصاص داده است. به لحاظ سیاسی ایران هم‌اکنون کشوری تأثیرگذار در تصمیمات منطقه و جهان است. از حیث نظامی گری، ایران کشوری مترقی در منطقه خاورمیانه و حتی جهان به حساب می‌آید؛ همچنین ایران در حال حاضر به باشگاه کشورهای هسته‌ای پیوسته است. از طرفی هم‌اکنون در پی مذاکرات ایران با قدرت‌های جهانی، هند به طور جدی آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری‌های گسترده در ایران و اتمام پروژه‌های عظیم نیمه‌کاره (که در اثر تحریم‌ها رها ساخته بود) اعلام کرده است. اجمالاً به نظر می‌رسد در سایه وابستگی‌های متقابل و متعدد، هند و ایران به یک‌دیگر نگاه راهبردی دارند که از این حیث در آینده، روابط دو کشور رشد قابل توجهی را تجربه خواهد کرد.

References

- Ameriyan, S., & Eskandari, S. (2014). Moodi Government and Rohhani How can the expansion of their relations addressing. Published by: The Institute for Iranian Studies and Eurasia, December 22. (in Persian)
- Akhvan Kazemi, M., & Azizi, P. (2013). The Analysis of the Political Economy of Development in India. *Subcontinent Studies Quarterly*, 5(14), 23-7. (in Persian)
- Ali Khan, Z. (2012). Baluchistan Factor in Pak-Iran Relations: Opportunities and Constraints. *Journal of South Asian Studies*, 1(27), 121-140.
- Ahmadi Fesharaki, H. A. (2011). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran and India: The Field of interaction and The Confrontation. *World Studies Quarterly*, (2), 182-149 (in Persian)

- Alavian, M., & Kouzehgar-Kaleji, V. (2010). Iranian Policy in Central Asia; the Qualification of Convergences and of the Divergence Orientation. *Political Science Quarterly*, 2(46), 63-92 (in Persian)
- Barnes, J. E., & Lubold, G. (2015). Gordon U.S., NATO Military Leaders Signal Openness to Longer Afghan Mission. *The Wall Street Journal*, Available from: <http://www.wsj.com/.../german-defense-minister-says-nato>.
- BP. (2015, June 2015). Statistical Review of World Energy, Available from: www.bp.com/en/.../energy.../statistical-review-of-world-energy.html (pdf).
- BP. (2011, June 2011). Statistical Review of World Energy, June 2011.
- Baqal, H. (2012). Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective. *International Journal of Humanities and Social Science*, 1(6), 242-248.
- BlandAkhtar, M. (2009). Structure and Military Capabilities India's. *Journal of Strategic Information*, 7(47), 52-49. (in Persian)
- DNA Portal. (2015). India Clocks 7.5% growth in January-March quarter, Becomes World's Fastest Growing economy. in: www.dnaindia.com.
- Daniels, R. (2013). Strategic Competition in South Asia: Gwadar, Chabahar, and the Risks of Infrastructure Development. *American Foreign Policy Interests*, 2(35), 3-100.
- Dietl, G. (2012). India's Iran Policy in the Post-Cold War Period. *Strategic Analysis*, 6(36), 871-881.
- Dadwal, S. R., & A. R., Mahtab. (2010). US Sanctions on Iran and their impact on India. Institute for Defense Studies and Analyses (IDSA), available at: http://www.idsa.in/system/files/IB_USSanctionsonIran.pdf, (accessed on 2012, July 2).
- Energy Information Administration. (2013)
- FAS. (2015). Federation of American Scientists. Available from: fas.org/.../nuclear-weapons/status-world.
- Fair, C. (2011). The Militant Challenge in Pakistan. By: *Asia Policy*, (January 11, 2011), 105-109.
- Ezzati, E., & Kaviani, A. (2008). Pakistan Regional Policy in the Subcontinent and Its Impact on National Security of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Defense Studies Quarterly*, 31, 86-159 (in Persian)
- Ezzati, E., & Vaisi, H. (2006). The Analysis of Geo-Economic and Geopolitical Iran-India gas Pipeline. *Geopolitics Quarterly* 2(2), 27-45 (in Persian)
- Farzin Nya, Z. (2006). India-Iran Relations: Development and Cooperation's. *Events and Analysis Magazine*, (202), 28-31 (in Persian)
- Fuller, G. (1996). *The Center of the Universe the Geopolitics of Iran*. (A. Mokhber, Trans) Tehran: Markaz Publication (in Persian)

- Gupta, A. K., & Wang, H. (2009). *Getting China and India Right: Strategies for Leveraging the World's Fastest Growing Economies for Global Advantage*. United States of America.
- Gol Behroozan, G. (2003). *India*. (ed.2), Tehran: Ministry of Foreign Affairs Published. (in Persian)
- Haidari, M. A. (2015). India and Afghanistan: A Growing Partnership. The Diplomat, (September 16, 2015) Available from: [http:// thediplomat .com /.../India-and-Afghanistan-a-growing-partn](http://thediplomat.com/.../India-and-Afghanistan-a-growing-partn).
- Hafeznia, M. (2006). *Principles and Concepts of Geopolitical*. Mashhad: Papoli Publications. (in Persian)
- Hafeznia, M.; Dwolatabadi, S., & Afshordi, M. H. (2007). Iran's Geopolitical Interests in Central Asia and the Opportunities ahead. *Geopolitical Quarterly*, 3(3), (in Persian)
- IMF Data. (2015). World economic Outlook Database. International monetary fund _PDF, Available from: <https://www.imf.org/.../weo/2015/.../we data/index>.
- Imam Zadeh, P. (2013). The Concern of the West and the Role of the Regional Powers after the Withdrawal of NATO Forces from Afghanistan. *Strategic Report*, 365, Tehran: the Deputy of International Research. (in Persian)
- Janta ka Reporter. (2015). India Clocks 7.5% growth in January-March quarter, Becomes World's Fastest Growing economy. Available from: www.jantakareporter.com/.../India's...clocks...growth-in-...
- Jamal, A. (2010). A Guide to Militant Groups in Kashmir. The Jamestown Foundation, at: www.jamestown.org/programs/tm/single/?
- Kumar, S. (2015). Opportunities and Threats for India after the Iran Deal. The Diplomat (read the diplomat, know the Asia-pacific), at: thediplomat.com/.../opportunities-and-threats-for.
- Koshki, M. S., & Hosseini, S.M. (2014). Strategic Cooperation of the Indian Navy and the United States: Opportunities and challenges (With the emphasis on the role inhibitor of the of the Islamic Republic of Iran). *Strategy Quarterly*, 23(70), 27-45, spring. (in Persian)
- Khalili, M; Monshadi, M., & Azmode, F. (2011). Geo-Economical Necessity Development of the Region South-East of Iran. *Foreign Relations Quarterly*, 3(4), 81-124, Summer, (in Persian)
- Koolae, E., & tishehyar, M. (2011). A theoretical review of the India's Energy Security Approach in Center Asia. *External relations quarterly*, 3(2), (in Persian)
- Kaviani-Rad, M. (2006). Geopolitical of the Iranian Gas Transfer to India: Opportunities and threats. *Strategic studies Quarterly*, (31), 99-120 (in Persian)

- Kemp, G., & Robert, H. (2004). *Strategic Geography and the Changing Middle East*. (M. Hosseini Matin, Trans) Tehran: Institute for strategic studies. (in Persian)
- Keohane, R., & Nye, J. (2001). *Power and Interdependence*. (Third edition). United States, Harrisonburg.
- Keohane, R. (1984). *After hegemony: Cooperation and discord in the World political economy Princeton*. Princeton University Press, N. J.
- Keohane, R., & Nye, J. (1977). *Power & Interdependence, (4th Edition)*. Longman Classics in Political Science.
- Live mint portal. (2015). Indian IT services exports seen growing 12-14% in year ahead. at: uk.reuters.com/.../India-outsourcing-outlook-idU...
- Mohan, R. (2015). How the Iran nuke deal gives India room in the Greater Middle East–See. Available from: <http://indianexpress.com/article/explained/how-the-nuclear-deal-gives-india-room-learned-greater-middle-east/#sthash.nFopa6QR.dpuf>
- Maleki, A. (2014). Lessons of the New Relations of India and the United States Can be learned. *Strategy Quarterly*, 23(70), 27-45 (in Persian)
- Mahmoudi, Z. (2014). Relations Iran and Afghanistan under the Ahmad Zi national Government. *The Strategic Studies Institute of the Middle East*, October 8, 2014(in Persian)
- Maghsodi, M., & Heydari, S. (2009). Transformation of the concept of terrorism, case study; Terrorism in India. *Economic-political quarterly*, (259-260), 236-25 (in Persian)
- Mojthedzadeh, P. (2013). *Geopolitics Philosophy and Application (Concepts and Theories in the Age of Virtual Space)*. Tehran: Saamt publication (in Persian)
- Mojtahed Zadeh, P. (2002). *Political Geography and Geopolitics*. Tehran: Saamt Publication (in Persian)
- Nader, A; Scotten, A; Rahmani, A, Stewart, R., & Mahnad, L. (2014). Iran's Influence in Afghanistan Implications for the U. S. Drawdown. RAND Corporation.
- NRDC. (2014). Nuclear Energy Nonproliferation and Disarmament. Available from: <http://www.nrdc.org/Nuclear/default.asp>
- Niakoe, S. A., & Bahrami Moghadam. S. (2014). India-Iran relations: Opportunities and limitations. *External relations quarterly*, 6(1), 123-160, Spring. (in Persian)
- Nye, J. (2008). *Soft power: the means to success in world politics*. (M. Rohhani & S. M, zolfaghari, Trans) Tehran: Imam Sadiq University Publication, studies and Research Institute of the basij (in Persian)
- Nehru, J. (1946). *Discovery of India*. London: Puna University Press. Reserve Bank of India. (2015, august 28). Available from: <https://www.rbi.org.in/>

- Rosenberg, M., & Shear, M. (2015). In Reversal, Obama Says U.S. Soldiers Will Stay in Afghanistan to 2017, *The New York Times*, Available from: <http://www.nytimes.com/.../obama-troop-withdrawal-afgha...>
- Sing Roy, M. (2015). International North-South Transport Corridor: Re-energizing India's Gateway to Eurasia. *Institute for defense studies and analyze* (August 18, 2015).
- Sing Roy, M. (2012). *Iran: India's Gateway to Central Asia. Strategic Analysis*, 6(36), 957-975.
- Singh Roy, M. (2001). India's strategic interests in Central Asia. (I, Shafie, Trans) *Studies of Central Asia and the Caucasus Quarterly*, (36), 52-75 (in Persian)
- Schweller, R. (2014). China's Aspirations and the Clash of Nationalisms in East Asia: A Neoclassical Realist Examination. *International Journal of Korean Unification Studies*, 23(2), 1-40
- SIPRI Military Expenditure Database. (2014). from: Available from: http://www.sipri.org/research/armaments/milex/milex_database
- SIPRI Yearbook. (2014, June 16). Nuclear forces reduced while modernizations continue. Says SIPRI, Available from: <http://www.sipri.org/media/pressreleases/2014/nuclear>
- Shadivand, G. (2013). Iranian ring Central Asia connecting and India. *Journal International of exploration and Oil and gas production*, (101), 19-33(in Persian)
- Shafie, N.; Faraji Nasiri, S., & Mottaghi, A. (2012). India's approach in Afghanistan after September 11, 2001 (With the emphasis on Iran). *Geopolitical Quarterly*, 8(2), 125-152, (in Persian)
- Shafie, N., & Pahlavani, M. (2011). Reviews of Smart Power India. *Foreign policy quarterly*, 25(2), 420-450 (in Persian)
- Sadeghi, S. A. (2011). Opportunities and Obstacles of Strategic Cooperation of Iran and India in The Political Economy of the Energy world. *Subcontinent Studies Quarterly, University of Sistan and Baluchistan*, 3(9), 29-54. (in Persian)
- Sjadpor, S. M. K., & Karimi Ghahroudi, M. (2011). Nuclear Competition India and Pakistan and the Consequences for National Security of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies Quarterly*, 4(4), 227-258, (in Persian)
- Sariolghalam, M. (2010). The fixed principles of national development. *Articles Collection of Development-Oriented Foreign Policy*, Collected by: M, Mousavi shfayi, Strategic Research Institute. (in Persian)
- Sahir, M., & Qurehi, A. (2007). Specific concern of Pakistan in the Context of Energy Security Issues and Geopolitics of the Region. *Energy Policy*, 35(4), 2031-2037.
- Sadoughi, M. A. (2006). Outlook India's role in the strategic- security environment Islamic Republic of Iran. Available: The Library of law and political sciences, University of Shiraz. Document number: 2672, (in Persian)

- Salimi, H. (2005). *Various Theories about Globalization*. Tehran: samt Published (in Persian)
- Swami, S. (2001). Iran, a new friend for India. *Comment & Analysis Magazine (M. Izad, Dost, Trans)*, 9(951) (in Persian)
- Saghafi Ameri, N. (1994). Iran, India, and Central Asia. *Studies of Central Asia and the Caucasus Quarterly*, 2(4). (in Persian)
- Tanvi, M. (2015). India and the Iran deal. Brookings Institution, Available from: www.brookings.edu/.../20-india-iran-nuclear-deal.
- The economic Times. (2015). India's external debt at \$475 billion as of end March 15. Available from: http://economictimes.indiatimes.com/articleshow/47885668.cms?utm_source=contentofinterest&utm_medium=text&utm_campaign=cppst
- The World Bank. (2015). Afghanistan Economic Update: Fiscal Stability is Critical to Steer Afghanistan's Economy Back to Recovery and Growth. Available from: <http://www.worldbank.org/.../increasing-fiscal-stresses-against-the>
- Taylor, P. J., & Flint, C. (2000). *Political Geography: Word- Economy, Nation-State, and Locality*. Fourth Edition, Harlow: Prentice-Hall
- World Bank Databank. (2014). Available from: <http://databank.worldbank.org/data/views/reports/tableview.aspx#>
- World Gold Council. (2015). World Official Gold Holdings. International Financial Statistics, Available from: https://www.gold.org/.../World_Official_Gold_Hold.pdf.
- Zarghani, S. H. (2009). *An Introduction to the Understanding of National Power*. Tehran: Institute for Strategic Studies Publication. (in Persian)
- Zarghani, S. H. (2006), *Evaluation of the variables affecting the National power and The design of the national power measurement model*, A Thesis Presented for the Degree of PhD of the Geopolitical Geography, A Thesis for the Degree of the Political Geography PhD, Tehran: Tarbiat Modares University (in Persian)
- Zarghar, A. (2007). Convergence, and Divergence in Relations between Iran and India. *Studies of Central Asia and the Caucasus Quarterly*, (57), 131-182. (in Persian)